

تاریخچه‌ی نحوه‌ی برخورد ایران با غرب (۲)

۱۶ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۵

روابط ایران و غرب در عهد قاجار، به دلیل ضعف شاهان این دوران در مواجهه با قدرتهای غربی، اثرات شومی را بر سیاست و اقتصاد و فرهنگ ایران بر جای نهاد. قاجاریه در امتداد رویکردهای استعمار گرانه دو ابر قدرت آن زمان یعنی روسیه و انگلیس و نیز تحت تأثیر شرایط بین المللی و اوضاع داخلی به یک سری سیاست هایی در مواجهه با دول خارجی روی آورده بود که در عمل به منزله ی خط مشی سیاست خارجی ایران در قرن نوزدهم میلادی محسوب می شد و در نظر عده ای از مورخین تاریخ دیپلماسی ایران به عنوان اصول سیاست خارجی ایران در دوره ی قاجار شناخته شده اند. اهم آنها عبارت بودند از:

ه) دوران قاجار

روابط ایران و غرب در عهد قاجار، به دلیل ضعف شاهان این دوران در مواجهه با قدرتهای غربی، اثرات شومی را بر سیاست و اقتصاد و فرهنگ ایران بر جای نهاد. قاجاریه در امتداد رویکردهای استعمار گرانه دو ابر قدرت آن زمان یعنی روسیه و انگلیس و نیز تحت تأثیر شرایط بین المللی و اوضاع داخلی به یک سری سیاست هایی در مواجهه با دول خارجی روی آورده بود که در عمل به منزله ی خط مشی سیاست خارجی ایران در قرن نوزدهم میلادی محسوب می شد و در نظر عده ای از مورخین تاریخ دیپلماسی ایران به عنوان اصول سیاست خارجی ایران در دوره ی قاجار شناخته شده اند. اهم آنها عبارت بودند از:

۱- میل به ایجاد تعادل میان دو قدرت رقیب انگلستان و روسیه در ایران که با قرارداد ۱۹۰۷ میان روسیه و انگلستان بر سر تقسیم ایران عملاً به شکست انجامید.

۲- تمایل به اتحاد با سایر دول نیرومند اروپایی از جمله فرانسه به جای اتکا بر عناصر داخلی قدرت ملی

۳- اتخاذ سیاست مشهور «قدرت سوم» که در اصل تنها به ایجاد رقیب برای دو قدرت استعماری دیگر منجر می شد.

: تجاوزهای توامان روسیه تزاری به شمال ایران زمامداران قاجار را به فکر یافتن یک دولت نیرومند دیگر انداخته بود تا آنان را در مقابل این دشمن نیرومند مورد حمایت و عنایت قرار دهد. به همان طریق که دولت های انگلیس و فرانسه در جهت مطامع خود در صدد جلب اتحاد و دوستی ایران بودند، خطر روسها نیز سببی بود تا ایران در سیاست خارجی خود تن به چنین استراتژی غلط و بدفرجامی بدهد. با این ملاحظات، استراتژی اتحاد و تعهد با دولت های نیرومند بخصوص انگلستان در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت روابط سیاسی میان ایران و انگلستان در عهد قاجار به سلطنت فتحعلی شاه بر میگردد چرا که در عمل سیاست مستعمراتی انگلستان در هند چنین اقتضا می کرد تا با دول مجاور آن و مخصوصاً ایران ارتباط دوستی برقرار کند. اما در دوران زمامداری محمد شاه به این دلیل که وی به سیاست روسیه بیشتر متمایل بود انگلیسی ها تا حدی از قافله عقب ماندند.

بعد از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه ، دولت روسیه به ایران سفیر دوستی و اتحاد فرستاد ولی ناصرالدین شاه به امید اتحاد با انگلستان این پیشنهاد را رد کرد. اما پس از نا امیدی وی از مساعدت انگلیس در برابر روسیه در اقدامی ناگهانی هرات را تسخیر کرد. دولت انگلیس هم جزیره خارک را به تصرف خود در آورد و متعاقب آن بوشهر، خرمشهر و اهواز را نیز اشغال نمود. عاقبت با وساطت فرانسه (ناپلئون سوم) معاهده صلح پاریس برقرار شد و قاجارها تعهد کردند که نسبت به هرات و افغانستان ادعایی نداشته باشد و استقلال آن را به رسمیت بشناسد و قوای خود را فوراً از آن منطقه خارج نماید و بندر عباس و چابهار را هم به مدت بیست سال به سلطان مسقط اجاره دهد.

در باب قراردادهای استعماری که توسط انگلستان در این زمان کسب شد می توان به موارد زیر اشاره کرد: قرارداد رویتر که به موجب آن کشیدن راه آهن از خزر تا خلیج فارس و اداره گمرکات و استخراج کلیه معادن ایران به مدت ۷۰ سال به بارون جولپوس رویتر واگذار گردید ، امتیاز فروش و صدور تنباکوی ایران به مازور تالبوت که البته این قرارداد با مقاومت روحانیت و مردم در ماجرای تحریم تنباکو ملغی گردید و قرارداد «دارسی» که به موجب آن، امتیاز استخراج و بهره برداری از نفت در سراسر ایران به استثنای ۵ ایالت به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس دارسی واگذار گردید.

رابطه با روسیه : رابطه ایران با روسیه در دوره قاجار خصوصاً در زمان زمامداری فتحعلی شاه خصمانه بوده و در شرایط جنگی قرار داشت گرچه اقا محمد خان در باز پس گیری گرجستان از روسیه پیشتر موفق عمل کرده بود. هدف اصلی روسیه مانند همیشه دسترسی به دریای آزاد بود و علت دیگر این خصومت نیز چشمداشت روسها به خاک قفقاز. به طور کلی در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، روسیه تزاری با تمام امکانات خود تلاش می کرد که با ابزارهای اقتصادی و نظامی، نفوذ سیاسی خود را نیز در ایران گسترش دهد. بارزترین نمونه های دست اندازی روسیه تزاری به خاک ایران در این زمان و تحمیل قراردادهای استعماری متعاقب آن به کشور به معاهدات گلستان و ترکمانچای بر میگردد، که البته با اصرار و پادرمیانی نمایندگان انگلیس بر ایران

تحمیل شد. در دوره قاجاریه ضعف و سستی دستگاه حکومت مرکزی به به شکلی بود که علما و مردم نیز با وجود همه فداکاری ها و نیز با وجود حضور ملی گرایانی چون عباس میرزا و قائم مقام فراهانی در صحنه، به دلیل عدم حمایت شاهان و دربار، در مقابله با هجوم همه جانبه روسها توفیق نهایی نیافتند.

رابطه با فرانسه
ایران و فرانسه در دوره فتحعلی شاه روابط خود را با هدف مقابله با روسیه، دشمن مشترکشان، آغاز کردند اما با توجه به نادیده گرفتن مفاد قرارداد «فین کنشتاین» بین دو کشور از جانب فرانسه این روابط به پایان رسید. بنا بر اسناد تاریخی در عهد فتحعلیشاه ایران و فرانسه تحت رهبری ناپلئون، در اردوگاه فین کنشتاین در لهستان، عهدنامه اتحاد و همکاری منعقد نمودند که متعاقب آن، ناپلئون هیاتی را به سرپرستی ژنرال متیو گاردان جهت آموزش قشون ایران اعزام داشت. اما در همین زمان ناپلئون توانست در فریدلند ضربه مهلکی بر نیروهای روسی وارد آورد. این مساله موجب امضای قراردادی بین فرانسه و روسیه شد که به عهدنامه تیلسیت شهرت یافت. در انعقاد این عهدنامه هیچ گونه توجهی به قرارداد ایران و فرانسه در وحدت علیه روسیه و تعهدات این کشور به ایران نشده بود. در نتیجه با تغییر سیاست فرانسه در قبال روسیه و به تبع آن ایران، امور ایران به مساله ای فرعی برای فرانسه تبدیل شد و ناپلئون پیمان خود با فتحعلی شاه را بدست فراموشی سپرد.

(و) دوران مشروطه

پیش از مشروطه میرزا آقا خان کرمانی گفته بود: «ما چه خواهیم و چه نخواهیم فرهنگ غرب مانند سیل به سوی ما روان است» و در برابر یک فرهنگ مهاجم اگر پاسخی آماده نداشته باشیم دیر یا زود بلعیده خواهیم شد. پس با ورود به عصر مشروطه بیشتر پاسخهایی که در آغاز به این یورش استعماری و فرهنگی داده می شد به قصد حفظ و بقای هویت دینی و اجتماعی جامعه ی ایران بود تا متعاقب آن بتوان در برابر خواسته های دیگر استعمارگران ایستاد.

تصویر ذهنی غالب نخبگان و نیز علمای شیعه در اواخر دوره قاجاریه نوعی بیم از سلطه غرب و هژمونی فرهنگ بیگانه بود که در واکنش با این معضل با یک اقدام اصلاحی به نام مشروطه همراه شدند. آنان معتقد بودند در راه قانون گرایی و اصلاح حکومت اگر ایرانیان خود اقدام نکنند و در صدد تحول در حکومت برای پیشرفت مطابق مذهب و آئین خود نباشند، بیگانگان وارد عمل شده و تغییر را توأم با سلطه بر آنان تحمیل خواهند کرد. اما در مهاجرت کبری و هنگامی که مراجع و مردم رهسپار قم شده بودند، عده ای از تجار به سفارت انگلیس پناهنده شدند. مطالبات این جماعت نیز در آغاز مانند متحصنین قم بود اما چندی بعد اعضای سفارتخانه انگلیس و فراماسونرها توانستند درخواست مردم را از عدالتخانه به «مشروطه» تغییر دهند. سرانجام نیز شاه تاسیس دو مجلس را پذیرفت و فرمان مشروطیت را در سال ۱۲۸۵ خورشیدی صادر کرد.

پس از برگزاری انتخابات «مجلس شورای ملی»، اولین وظیفه این مجلس تدوین قانون اساسی بود. از اینجا بود که تقابل نظری شیخ

فضل الله با فرنگی مآبها آغاز شد. این شهید در واکنش به تصمیمات کمیسیون متمم قانون اساسی، اصل پیشنهادی خود را که نظارت جمعی از مجتهدان بر مصوبات مجلس بود منتشر کرد و توانست نظر مراجع نجف را نیز به اصل پیشنهادی خود جلب نماید. در نتیجه ایشان نیز اعلام نمودند که این ماده «از اهم مواد لازم و حافظ اسلامیت این اساس است». اما به تدریج و با نفوذ فراماسونها به جریان مشروطه شیخ تحت فشارهای زیادی قرار گرفت و سرانجام او نیز شهادت به دست فاتحان تهران بود. تردید نیست که نفوذ جریانهای غرب گرا و دخالت انگلیسها در مشروطه این حرکت را با انحرافات جدی مواجه نمود

ادامه دارد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۳۶۲/پ-نحوه-پ-تاریخچه/۲۰۳۶۲>